باسمه تعالی

بدیهی است ، مطالعه‌ی مداوم ، ذهن انسانرا ، بخود مشغول می‌دارد ، و آنرا از هر اندیشه‌ای ؛ جز آنچه ، مربوط به موضوع مطالعه است ، خالی می‌سازد ، بهمین‌دلیل ، درگاه مطالعه‌ی، بحارالانوار که در چاپ جدید متجاوز از صد جلد است ؛ بدریای ژرف،و زندگی ساز ، مؤلف و نویسندهٔ دریاهای نور« بحار الانوار »علامهٔ بزرك:محمد باقر مجلسی « قدس‌الله اسراره » می‌اندیشیدم ، و این احساس مرا برانگیخت ؛ بشناختی بهتر ، و اینکه باخواننده‌گان نوشته‌هایم ؛ به گفتگو بنشینم ، و تجزیه و تحلیلی دربیوگرافی ویژه‌اش، براه‌اندازم.

آری . بهرجا که می‌توانم نام تو را می‌نگارم .

بزندگانی سراسر افتخار آمیزت می‌اندیشم و نام‌تورا می‌نویسم.

نه برای تو ـ بلکه برای آنکه : ترا نگاهبانی بس دلیر در ترویج مرام و دین خدا یافتم.

برای آنکه : ترا در تاریکترین لحظه‌ها روشنگر و روشنی بخش یافتم .

برای آنکه : ترا در آموزشگاه‌مکتب جعفری و امام‌صادق(ع)

بهترین دانش پژوه یافتم.

برای آنکه: ترا مجدد مذهب و بنیان‌گذار تمدن علمی‌وعملی در آن عصر یافتم.

ای ابر مرد تو خواسته. بررسی زندگی تو هدفی عالی‌وانسانی و افتخار آور است، زیرا، تو تنها برای خود، نبودی؛ بدیگران نور بخشیدی، جان برکف، از بهترین، آرمانها و دفاع از حق، بپا خاستی، کاخ استقلال، مکتب علوی، و جعفری و رضوی؛ را با زیر بنائی، پایدار و موفقیت، آمیز، بپاداشتی؛ یکباره، ایدئولوژی‌های نفاق افکن را، بدور افکندی، و باسرعتی شایان تقدیر، تحولی بس برق آسا براه انداختی.

تو نشانه، حرمت، ملتی راستین هستی و نامت مبارك.
تو جاودانه، فروغی نور آفرین، و زندگیت سازنده.

تو آفتابی هستی، بی هر ابر. تو زمینی، بی هر خشکی. تو ریشه‌ای، بی‌هر پوسیده‌گی؛ تو دریائی، بی هر آرامش، تو ماهی بی هرگرفتگی. تو دلیری، رزمنده، بی هرترس. تو غرنده شیری مدافع و سرسخت؛ تو فرزانه، مردی بی‌همتا...

بویژه آنجا که می‌آموزد، آنجا که تنهای خسته و روانهای فرسوده را آرامش می‌دهد، و بابراهین، قاطع و احکام قطعی‌ونظرات جزمی، باظهار نظردررشته‌های‌مختلف‌علوم‌به بحث می پردازد و همه‌ی ابعاد انسانی را موازنه مینماید و مقتضیات عصری را رعایت می‌کند و بارزیابیهای پرارزش بسنده می‌فرماید.

علامه بزرگ یکه تاز میدان دانش محمد باقر مجلسی کسی نیست که باآن بشود شوخی کرد ویاباآن ابر مردجسارت نمود ! !

جای تاسف است ، در دوره تکامل سنتی و پیشرفتهای ملی ، و مذهبی ، پیش نویسان ، و نـوآوران به تجزیه و تحلیل و بیوگرافـی افرادی همانند نوابغ جهان ، و دیگران دست زده‌اند ، از قبیل،روسو ویکتورهوگو ؛ و منتسکیو ، ناپلئون ، نیوتن ، ولتر ؛دکارت ؛ گوستاو لوبون ، وایت ، راسل و انیشتین ،و یااز شرق ؛ ملای‌رومی؛ ملا صدرا عطار ؛ و شبستری ، از حکماء و عرفاء ، از شاعـران و غیره و غیره کتابها و مقالها فراهم نموده‌اند ، ولی در این میان کمتر توجهی؛ به زندگی و بررسی دانشمندان‌اسلامی‌وزندگی سازان ؛ و نهضت‌آفرینان و نویسنده‌گان مذهبی شده است ، همانـان کـه دانشگاههای اسلامی مانند «بیت الحکمة» در بغداد و « نظامیه » در بغداد و نیشابور بپـا ساختند ؛ و در تکنولوژی ، زمان خویش پیشرو بودند، نقش‌سازندگی وزایائی ، و خلاقیت ؛ را در اسلام‌داشتند ، هادی‌وانتقال دهنده، تمدن های پیشین‌و طلوع‌اسلام بودند و بگفته **آناتول فرانس:** اگرپندارهای گذشته آنان نبود ؛ مردم هم اکنون ، نیز برهنه ، و بدبخت درغارها بسر می‌بردند ، همانا ، نخستین فروغ تمدن ، از مغز متفکرین‌جهید و از خلال این افکار ، بهره بخش است ، که‌حقایق نافع‌آشکارمیگردد

در یافت اینهمه فضیلت را شمـا در لابلای کتابهـائی از قبیل تأسیس الشیعه ، و شهداء الفضیله ، و قصه های راستین دیگر بخوبـی می‌یابید ، تاآنجا که نویسنده لبنانی : جرج جرداق ، فصولی گویادر

نوشته‌اش «صوت العدالة» « مع الثائرین » آورده است و فعالیتهای مجاهدین تاریخ شیعه ، را بیان میکند و نتیجه میگیرد (لمثل هذه المبادی کانت الجماهیر تشیع ...)همین مجاهدات پیگیر واعتقادات جاندار ، موجب شد توده‌های انبوه پیوسته، شیعه شوند .

حقیقت این است علامه‌ی مجلسی در تحقق بخشیدن نهضت شیعه و تأسیس مکتب جعفری سهمی بسزا و غیر قابل انکار ؛ داشته است ، باتوجه بزندگانی پرشکوه او واقعیت این ادعا روشن ؛میگردد ولی نه آن بیوگرافی خالی ازتحقیق وتجزیه ، بدون دریافت‌واقعیتها و بافته‌های مفهوم و نامفهوم ، بااینکه در متون‌تازی و واژه‌های‌عربی تحقیقاتی عمیق و برداشتهائی شکوهمند فراهم آمده است این‌وظیفه پارسی نویسان و قلم فرسایان روز است ، تااین رسالت انجام آورند و هرچند بیشتر ، وجدی‌تر ، سبك تازی نویسان را تعقیب ، نموده و شناختها و حقیقتها را ، روشن گرآیند ؛ تاخام نظریهای یاوه بافان‌و عوام اندیشیهای کم مایه ، و سبك اندیشیهای بی‌سواد و بی‌فهم،قلمهای مسموم و زهرآگین ،جوانان‌ما رانفریبد ، و حقی مسلم‌پایمال نگردد و حربه‌ای برنده و تیغی تیز بدست دشمن‌دانانیفتد همانان که نامشان ننك ؛ قلمشان ننك ، عقیده‌شان ننك ، هدفشان‌ننك و هرلحظه‌بشکلی و بلباسی ، از امیال شوم و نابجای خود بدفاع میپردازند . همچون شتر مرغ را مانند ، چون گفتند : باربردار . فریاد برداشت ، که من مرغم ، و چون بدو گفتند پرواز کن گفت : شترم اگر گویند: غرب

زده‌ای بانك برآرد ، مابرای کوتاه ساختن دست دشمن بپاخاستیم ،و این شمائید که بلندگوی ، استعمار و استعمار گرانید و ... و چون گوئیم سنی زده و در حقیقت بلندگوی وهابی هاشده‌اید فغان برکشد و جوش و خروش براه اندازد بی زاری بجوید ، گفته های سابقش را بمیان آورد ، و خویش را بهترین و برترین مدافع و حمایت‌گر علی و فرزندانش بشمار آرد ؛ نیشش را تیزتر و زهرش را بیشتر بجان مردمی ریزد ، ساده لوح ؛ زود باور ، و یانونهالان‌خوش‌باور و نورسان نو اندیش ، آنهم بامارك روشنفکری : یعنی‌بآنهاکه نمیتوانند، بفهمند و یا نمیخواهند بفهمند ،گفته میشود شما روشن فکریدو بآنها که‌هم می‌فهمند ، وهم می‌فهمانند ، و پرونده سیاه این‌افراد را برای‌دیگران بازگو و بازساز میکنند گفته میشود شما مرتجعید ، پول گرفته اید بلندگوی دیگرانید ، دستی برای بوسیدن و گرفتن دارید و . . . .

و مایتبع اکثرهم الا ظناً ان الظن لایغنی من الحق شیئاً ان الله علیم بما یفعلون (۱) باز می‌شناسیمشان و بهتر آنکه در این نامه‌نام و نشانشان را نبریم و از اینکه،ما بهتر ازنو بعرصه رسیدگان تازه اندیش ،دین و روش علمی ، و تحقیقی‌رامیدانیم؛ شرمنده‌ایم، شخصیت علی(ع)و مسئولیت شیعه علی (ع) وشهادت و شفاعت ، ولایت وامامت، انتظار

---

۱ - و اکثر این مردم جز از خیال‌و گمان‌باطل خود ازچیزی‌پیروی نمی‌کنند ، در صورتی که گمان و خیالات موهوم کسی را بی نیاز از حق نمی گرداند و بعلم یقین نمی‌رساند و خداوند بهر چه می کنند آگاهست . (سوره یونس‌آیه ۳۶)

و دیگر بخشهای مربوط بشناخت اسلام و اسلام شناسی را با فرهنگ سازنده اسلامی و واقعیتهای انکار ناپذیر ، خوانده ایم ، و دانسته‌ایم درد و درمان را یافته ایم ، وای صد دریغ از این خود یافته های تخصص ندیده ، بگذریم و هدف‌خویش رادنبال کنیم.

چون هر عصری ویژگیها و ضرورتها و تقاضا هائی مربوط بخود دارد و افراد پیروز ، و موفق آنها هستند ، که هم آن نیازها ، و تقاضاها را ، درك میکنند ، و هم مشکلات و گرفتاریها را دفع و یا رفع مینمایند«العالم بزمانه لاتحجم علیه اللوابس » امام‌صادق‌علیه‌السلام فرمود : آنکس که‌از وضع زمان‌خود آگاه‌است ، مورد هجوم‌اشتباهات قرار نمیگیرد ، من بسهم خود ، بروشنی دریافته‌ام ، نسل جدید و بخصوص تحصیلکرده‌های‌خوب اندیش‌وآزاد نگر نیازی‌به‌ایدئولوژیك و شناخت اصالتهای مذهب و شناخت چهره‌های تابناك و فروغ بخش اسلامی دارند ، ناگزیرند برای‌رفع عطش و تشنگی خویش کاروان زندگی ساز ، و مشعل افروزان جامعه ساز را بشناسند ، کلینیها مفیدها ، صدوقها ، طوسیها ، رضیها ، قبلیها و بعدیها تا مجلسیها همانها که مکتب حق‌بوسیله‌شان بازتاب شده است ، و این گفته‌ها در پیش برای آن آوردیم تا نگویند اطلاع برزندگی علامهٔ مجلسی چه محلی از اعراب دارد ؟ و ما را نیازی باستخوانهای پوسیده‌نیاکان نیست ؟ هرچه هست نویسنده این سطور وسیعترین حقهای اسلامی‌و مذهب شیعه را بمعنی واقعی کلمه در مکتب آن بزرك دانشمندیافته و بدان نظر که کشتی بشریت ، را از گرداب ، سرگردانی نجات

میبخشد ، و باسرپنجه‌ئی قوی و همتی عالی، بقله‌های فتح و پیروزی رهنمون میگردد و میراث علمی و فرهنگی اسلام را مرهون خدمات علامهٔ بزرگ محمد باقر مجلسی میداند بشرح زندگیش میپردازد

بدیهی است که در این مقال تنها زندگی آن اندیشمند بازگو نمیشود بلکه تا آنجا که امکانات و شرائط مساعدت نماید ؛ بمفاخر علمی و نظرات او ، کتابها و تألیفات آن نویسنده توانا و نحوه برداشت و شناخت معارف و عقائد او میپردازیم ؛ چه اینکه عظمت آثار علامه‌ی مجلسی گواه بزرگ بر عظمت و شخصیت ، او است ؛ امیدواریم کوشش ما مورد قبول افتد و با خواندن این یادنامه و کارنامه راستین هیچگاه جوانان عزیز در مفاهیم مکتب علوی و جعفری اشتباه نکنند و همگان بدیدا حترام بدانشمندان اسلامی بنگرند ، تا چه قبول افتد و چه در نظر آید .